

انتخابات ریاست جمهوری و سیاست ما

بقیه از صفحه اول

جدال و درگیری بیش از آن حدی است که می پنداشتند از میان ۵ گزینه «شورای هماهنگی» یعنی علی اکبر ولایتی، علی لاریجانی، احمد توکلی، محسن رضائی و محمود احمدی نژاد، بجز علی لاریجانی بقیه هر کدام بشکلی سازشان را در دستگاهی غیر از دستگاه «شورای هماهنگی» کوک کرده اند. کار بدانجا کشیده است که این اختلافات بشکل رسمی در مطبوعات و رسانه های کشور باز تاب پیدا کرده و پیش از اینکه «شورای هماهنگی» نام نامزد مشترک را اعلام کند، حداقل محسن رضائی و علی اکبر ولایتی فعالیت انتخاباتی خود را شروع و احمد توکلی اعلام نموده است که پای بند مصوبات «شورای هماهنگی» نخواهد بود. محمود احمدی نژاد نیز از پیش با عدم شرکت در جلسات «شورای هماهنگی» پاسخ خویش را روشن کرده است. کشمکش به اندازه ای است که نتیجه و حاصل کار «شورای هماهنگی» تا کنون به ناهماهنگی بین ۵ گزینه دستچین شده خود انجامیده است.

از سوی دیگر اصلاح طلبان که در دوره های پیش با مشکل کردن نیروهای دوم خرداد موفق شدند تا حدی هماهنگ عمل کنند و در جریان انتخابات مجلس ششم اکثریت نزدیک به اتفاق لیست پیشنهادی خود در تهران و حدود ۷۰ درصد نمایندگان معرفی شده در کل ایران را وارد مجلس نمایند، نتوانستند روی یک نماینده مشترک به توافق برسند. دو تشکل اصلی این جناح یعنی مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت ایران اسلامی، دکتر مصطفی معین وزیر مستعفی خاتمی را کاندیدای خود اعلام کردند و مجمع روحانیون مبارز کربوبی را نامزد خویش دانست. این صف بندی هنوز پیش از ورود هاشمی رفسنجانی به صحنه انتخابات است. با آمدن او صف بندی ها دستخوش تغییرات زیادی خواهد شد. همه شواهد نیز بر این دلالت دارد که او برای کرسی ریاست جمهوری دندان تیز کرده است تا هم از این خوان یغما، سفره خویش رنگین تر کند و هم از برخی محافظه کاران مجلس پنجم و اصلاح طلبان مجلس ششم انتقام گرفته، عقده گشائی کند. با آمدن هاشمی رفسنجانی به صحنه برخی از اصلاح طلبان که از مدت ها پیش به استقبال او شتافته بودند، در رکاب او پا خواهند زد و از طرف دیگر گروهی از همراهان دیرین او در صفوف محافظه کاران نیز، گمشده خویش دوباره باز خواهند یافت و با هم کاسه و هم کیسه خواهند شد. بدین ترتیب پس از

شکست اصلاح طلبان حکومتی و کنده شدن مردم از آنها، هاشمی رفسنجانی که در دور پیشین انتخابات مجلس با تقلب و به کمک رهبر و شورای نگهبان توانسته بود در پائین لیست سی نفره تهران مکانی برای خود دست و پا کند، در این دور با روی بر تری نسبت به سایر رقبای خود در میان شرکت کنندگان در انتخابات بهره مند است و شانس بیشتری برای انتخاب دارد.

انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری در قیاس با دوره های پیش بسیار بسته تر و فضا برای تنفس حتی جناح های حکومتی تنگ تر شده است. در جمهوری اسلامی انتخابات بجز یک سال نخست آن، به همه چیز شباهت داشته است جز انتخابات. حق انتخاب در این رژیم بی معنا است. انتخابات، از یک رای گیری ساده برای نمایندگانی که از فیلتر شورای نگهبان عبور کرده و تأیید این ارگان را در کارنامه دارند، فراتر نمی رود. آزادی سازمانها و احزاب، رسانه ها و مطبوعات و آزادی بیان و قلم، بعنوان پیش شرط های اولیه یک انتخابات آزاد منتفی است. انتخابات در بهترین حالت رقابتی است بین نیروهای طرفدار نظام. که این هم در انتخابات سال گذشته منتفی گردید. در آن دوره دامنه اختناق تا آنجا گسترده شد که حتی نیروهایی که برای حفظ این سیستم راه حل هائی غیر از راه حل خط حاکم ارائه می دادند نیز، از زیر گیوتین شورای نگهبان نتوانستند جان سالم بدربرند. از آن پس فضا چنان تنگ شده است که اصلاح طلبان خوشنود به این اند که یکی از نرم ترین کاندیداهای آنان بتواند سلامت از سد شورای نگهبان گذر کند.

چنین بنظر می رسد مردم در این انتخابات مشارکشان از دور هفتم مجلس کمتر باشد. بر اساس آمار رسمی خود رژیم میزان شرکت کنندگان در رای گیری برای نمایندگان مجلس هفتم با خذف آراء سفید و باطله حدود چهل در صد بوده است. در این انتخابات تا کنون بخشی از اصلاح طلبان به موضع مخالف کشیده شده و بخش دیگری از مردم با رژیم فاصله گرفته اند. تمامی شواهد تا کنون از شرکت محدود مردم خبر می دهد. داغ کردن تنور انتخابات که این روزها طرفداران حکومت در شیپور آن می دمند با همین ارزیابی و برای جلو گیری از این شکست و جلب مردم به شرکت در انتخابات صورت می گیرد. اهمیت دارد که احزاب، سازمان ها، جریانات سیاسی و روشنفکران فرهیخته کشورمان در طرد این مضحکه، که نام انتخابات بر آن نهاده اند بکوشند و با اتخاذ سیاستی هماهنگ، نگذارند آبرو باختگی این رژیم از دیده ها پنهان نگهداشته شود.

اگر از چند سال پس از دوم خرداد که شکاف درون حکومت دهان گشود و مردم امکان

یافتند برای زدن نمایندگان رسمی ولایت فقیه، رای خود را به حساب جناح مقابل بریزند بگذریم، سیاست اپوزیسیون ترقی خواه از یکسال پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی همواره تحریم انتخابات بوده است. سیاست تحریم اعلام نظر و اعلام مخالفت با رژیمی بوده است که با سرکوب و سرنیزه «عدل اسلامی» خود را در سرزمینی به وسعت کشورمان ایران گسترانده است. این سیاست اعلام «نه» به حکومتی است که هزاران نفر از فرزندان دلاور کشورمان را به بند کشیده یا وادار به ترک دیار کرده یا بجوخه مرگ سپرده است و منابع و ثروت های مردم ایران را بر باد داده است. سیاست تحریم دست رد به سینه حکومتی است که در آن مثنی دزد و کلاهبردار بر جان و مال و ناموس مردم حکمرانی می کنند و بجز خود هیچ خدائی را بنده نیستند. این سیاست، با وجود درستی آن در صورتی که در حد اعلام نظر بماند چندان منشاء اثری نخواهد شد. ما پیشنهاد می کنیم که جریانات مختلف اپوزیسیون (داخل و خارج) در مشورت با یکدیگر در فرصتی که تا انتخابات باقی است، نظر خود را هماهنگ کنند و با اتخاذ یک سیاست موثر و روشن، بکوشند رژیم را در سنگری ضعیف تراز آنچه هست قرار دهند تا پایه های بنای قدرتش سست تر و امکان تلاشی آن مهیا شود. ما فکر می کنیم که اگر اپوزیسیون در اتخاذ سیاست بتواند اشکال نوینی برگزیند که هم «نه» خود را به حکومت آشکار تر بیان دارد و هم این «نه» امکان طنین و انعکاس وسیعتری پیدا کند، شرایط برای حرکات یکپارچه و شکل گیری یک جنبش نیرومند علیه رژیم مناسب تر خواهد شد. انعکاس حرکت یکپارچه مردم، هم صفوف اپوزیسیون را متحد تر می کند و هم امکان جلب پشتیبانی جهانی را افزون تر می نماید و هم این مجموعه مردم را در مبارزه برای استقرار دموکراسی امیدوارتر بمیدان می کشاند.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران برای اتخاذ سیاست مشترک در قبال انتخابات، همه سازمان ها و احزاب سیاسی و جریانات چپ و ترقی خواه را دعوت می کند که برای گفتگو، تبادل نظر و هماهنگ کردن سیاست خود گرد هم آیند. در صورتی که اپوزیسیون ترقی خواه بتواند در این انتخابات از اشکال کهنه، کلیشه ای و سنگ شده گذشته گذر کند و سیاست نوینی با مضمون «نه» به حکومت بیابد، در بالا بردن انرژی و توان کل جنبش نقش موثری ایفا خواهد نمود. ما بسهم خویش می کوشیم که در این راه گام برداریم و دستان پر توان همه عزیزان و یارانی که با قلم و قدم راه پر سنگلاخ استقرار آزادی در ایران را هموار می کنند، صمیمانه می فشاریم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران